

پژوهشی باستان‌شناختی در خصوص تاریخ و معماری گنبد‌های مضرس در بناهای آرامگاهی ایران

چکیده

گنبد‌های مضرس با نمای بیرونی پلکانی و دندانه‌ای، دارای پراکندگی گسترده‌ای در جهان اسلام هستند به طوری که علاوه بر ایران، در کشورهای نظیر عراق و سوریه دیده می‌شوند. از جمله عناصر به کار رفته در گنبد‌های مضرس، مقرنس‌های سطح درونی گنبد و نمای دندانه‌ای و پلکانی نمای بیرونی گنبد است. برخلاف دیگر مقرنس‌های ساخته شده از کاشی و آجر که عنصری تزئینی و الحاقی در بناهای اسلامی محسوب می‌شوند، ساختار معماری گنبد‌های مضرس چنان است که مقرنس‌های درونی آن‌ها جنبه سازه‌ای و کاربردی در معماری این نوع گنبد دارند. این گنبد‌ها در جغرافیای امروزی ایران، تنها در جنوب و جنوب غربی ایران دیده می‌شوند. کتیبه‌های باقیمانده از این فرم معماری، که عموماً بر ساختمان آرامگاه‌ها به کار رفته، انتساب آن‌ها را به دوره اتابکان لرستان (۵۵۰-۸۲۷ ه. ق.) محتمل می‌سازد. مطالعه پراکندگی جغرافیایی این نوع گنبد‌ها، آن‌ها را در محدوده حکومت محلی اتابکان لر در قرون میانی اسلام قرار می‌دهد.

واژگان کلیدی: گنبد مضرس، مقرنس، معماری اسلامی، قرون میانی، اتابکان لر.

درآمد

جنبه‌های مختلف تاریخی، هنری، مذهبی و اجتماعی جایگاه ویژه‌ای در مطالعات معماری اسلامی دارند. یکی از عناصر مهم معماری که به بناهای اسلامی شکوه ویژه‌ای در ادوار مختلف اسلامی بخشیده گنبد است که ریشه در معماری قبل از اسلام دارد. پژوهش‌های صورت گرفته حاکی از گسترش این عنصر بارز معماری توسط ایرانیان در سده‌های قبل از اسلام، به خصوص از دوران اشکانی و ساسانی است که پس از آن طی دوران اسلامی از تنوع زیادی برخوردار شده است (بزرگمهری ۱۳۷۰: ۵) که می‌توان به گنبد‌های نار، رک، ترکی، سروک، کمبیزه اشاره کرد. در دوران اسلامی گنبد بر روی بناهای مختلفی همچون مساجد و آرامگاه‌ها ساخته و با عناصر مختلفی

در مکاتب معماری مختلف شاخص‌ها و عناصری وجود دارند که نماینده و بیانگر اهداف آن مکتب، تعریف کننده هویت بنا، ساختمان و اشخاص استفاده کننده از آن هستند که در یک نگاه مفهوم را به بیننده القاء می‌نمایند. یکی از شاخصه‌های معماری اسلامی آرامگاه‌ها و بقاع متبرکه‌ای هستند که جلوه‌گاه هنر و معماری اسلامی به شمار می‌روند. بناهای آرامگاهی با توجه به کثرت قابل توجه آثار باقیمانده و نیز اهمیت داشتن آن‌ها به لحاظ

* دانش‌آموخته کارشناسی ارشد باستان‌شناسی دانشگاه هنر اصفهان (h_sapid@yahoo.com)

** دانشیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه هنر اصفهان (ahmadsalehikakhki@yahoo.com)



نظیر مقرنس (با کاشی، آجر و گچ) تزیین شد و به بناهای این دوره شکوه خاصی بخشید. در منطقه جنوب و جنوب غربی ایران، تعداد زیادی آرامگاه با گنبد مژرس (دنداندار، پلکانی) وجود دارد که توجه هر بیننده و محقق را به خود جلب می‌نماید. بررسی و تحلیل باستان‌شناختی چنین بناهای آرامگاهی با سبک گنبدسازی مژرس، سبب درک بهتر از سیر تحول تاریخی این نوع بناها در معماری اسلامی ایران به طور خاص و جهان اسلام به طور عام خواهد شد. این مطالعه همچنین در تصحیح و تکمیل تاریخگذاری بناها و ایجاد جاذبه‌های گردشگری (مذهبی) موثر خواهد بود. یکی از دلایل عمده انتخاب موضوع تحقیق، انتساب برخی از این گنبدها به دوره سلجوقی است (آزادی ۱۳۸۷: ۴۹۱؛ موسوی‌نژاد سوق ۱۳۸۵: ۴۳۸).

در خصوص بناهای آرامگاهی با گنبد مژرس تاکنون تنها در کتاب آثار و بناهای تاریخی خوزستان به بررسی بناهای مذکور در گستره ایران کنونی پرداخته شده است (صمدی ۱۳۷۵). در بررسی مذکور هیچگونه اشاره‌ای به چنین بناهای آرامگاهی در کهگیلویه نگردیده است در صورتی مطالعه چنین بناهایی می‌تواند به نتایج جالب توجهی منجر گردد. پژوهش دیگری نیز بیش‌تر با تأکید بر چنین سبک گنبدسازی بیرون از ایران انجام شده است (Tabba 1985). در این پژوهش سعی خواهد گردید تا ضمن پرداختن به تحولات منطقه جنوب و جنوب‌غربی ایران در قرون میانی اسلام، وجه تسمیه، ساختار معماری، پراکندگی جغرافیایی و در نهایت تاریخگذاری نسبی سبک معماری گنبدهای مژرس در معماری بناهای آرامگاهی ایران مورد بررسی و مطالعه قرار گیرند.

وجه تسمیه

تاکنون در پژوهش‌هایی که توسط محققان در خصوص سبک گنبدسازی انجام شده از اصطلاحات متعددی چون گنبد مقرنسی (Tabba 1985) میل مژرس (صمدی ۱۳۷۵) و گنبد آرچین (بزرگمهری ۱۳۷۰: ۱۳۲) برای این سبک گنبدسازی استفاده شده است. استعمال واژه گنبد مقرنسی برای چنین سبک گنبدسازی به نظر نادرست است؛ زیرا نخست آنکه آنچه جلوه بصری به گنبدهای

مورد مطالعه بخشیده نمای بیرونی آن‌هاست که به صورت دنداندار و پلکانی تزیین یافته و نه مقرنس‌های داخلی. باید گفت که نمای پلکانی این نوع گنبد، مقرنس محسوب نمی‌شود زیرا «مقرنس سقفی است که تشکیل شده از چندضلعی‌هایی که ضلع هرکدام از آن‌ها با ضلع مجاور در وسط متقاطع گردیده به طوری که زاویه تقاطع آن‌ها یا نصف قائمه و یا مجموع یک قائمه و نصف آن و یا غیر از آن - به طوری که دو قائمه به نظر برسد - باشد» (کاشانی ۱۳۶۶: ۳۸). مقرنس از سقف آویخته می‌شود و به همین دلیل به آن چفد آویز هم می‌گویند (بزرگمهری ۱۳۷۰: ۳۹) لرزاده نیز معتقد است که مقرنس اشکال قطاربندی و نزدبانی شکلی است که به صورت آویزهای قندیل مانند ساخته می‌شود و آنرا به پوزه آهو تشبیه نموده است که می‌توان آن را بر گیلویی سقف‌ها، زیرگنبد، کتیبه و نیمکار اجرا کرد (رئیس‌زاده و مفید ۱۳۷۴: ۸۵). با توجه به تعاریف ارائه شده از مقرنس که به مواردی چون آویزهای قندیل شکل و کاربرد آن‌ها در سقف بناها اشاره دارد اگر چه در ظاهر شباهت‌هایی با مقرنس‌کاری در این نوع گنبدها وجود دارد لیکن مواردی چون عدم وجود فضای مجوف در پشت نمای این نوع گنبدها و همچنین نحوه چیدمان در اجرا، به نوعی برعکس آن شیوه‌ای است که در مقرنس‌کاری رایج است. بنابراین می‌توان گفت که نمای پلکانی آن‌ها مقرنس محسوب نمی‌شود. دوم آنکه اگر بخواهیم به صرف داشتن مقرنس‌های درونی این گنبدها آن‌ها را گنبدهای مقرنسی بدانیم باید گفت که بسیاری از این گنبدها همچون گنبد امامزاده عبدالله شوشتر، گنبد دانیال نبی شوش و گنبد سید جلال‌الدین کهگیلویه دارای هیچ نوع مقرنسی درون بنای گنبدی نیستند. اصطلاح میل نیز که توسط اروپائیان در خصوص چنین سبک گنبدسازی به کار برده شده و پژوهشگران ایرانی نیز آن را به همان صورت به کار برده‌اند نادرست می‌نماید زیرا میل‌ها همان برج‌ها یا بناهای آجری هستند که بر سر راه‌ها واقع بوده‌اند و از آن‌ها برای راه یابی، اعلام خبر (آتش خبر) استفاده می‌کرده‌اند (شمس ۱۳۸۹: ۱۴۳). میل‌های راهنمایی در سراسر ایران زمین و به خصوص در بیابان‌ها و جنگل‌ها همچون رادکان، رسکت و لاجیم نخست برای راهنمایی یا آسودن مسافران ساخته شده،

ولی پس از آن گاهی تبدیل به آرامگاه بانی خود یا بزرگی که در آن نزدیک یا در حین سفر درگذشته، شده‌اند همانند قدمگاه نیشابور که پیش از آنکه حضرت علی ابن موسی‌الرضا (ع) به طوس تشریف فرما شود میل راهنمایی بیش نبود ولی پس از مسافرت آن حضرت و به یاد اجتماع پرشور و عظیمی که از پیروان و دوستداران خاندان پیغمبر (ص) در بیرون آن بر پای شد نام قدمگاه یا به اصطلاح امروز بنای یادبود به خود گرفته و به همین مناسبت بعدها در زمان شاهان شیعی ایران گسترش یافته و ایوان‌ها و صفاها بر آن افزوده شده است (پیرنیا ۱۳۸۳: ۲۲۹-۲۳۰). بدین مفهوم که این بناها از ابتدا کاربرد میل داشته‌اند لیکن ارتفاع این گنبدها که بر فراز آرامگاه‌های اسلامی می‌بینیم آن چنان نیست که بتوانیم کاربرد میل را برای آن‌ها متصور شویم و این گنبدها از ابتدا برای چنین سبک آرامگاه‌سازی ساخته شده‌اند. آنچه باعث تمایز این فرم معماری و جلوه بصری آن می‌گردد شکل دندان‌های و پلکانی نمای بیرونی آن است. گاهی به جهت این فرم پلکانی از آن‌ها به «گنبد آرچین» یاد می‌شود (بزرگمهری ۱۳۷۰: ۱۲۸). گرچه انتخاب واژه آرچین تا حدودی برای چنین سبک گنبدسازی درست می‌نماید لیکن با توجه به اینکه منشأ چنین فرم گنبدی که در پی خواهد آمد سوریه و عراق (کشورهای عرب زبان) دانسته می‌شود، بنابراین به جاست برای این فرم گنبدسازی در معماری اسلامی از اصطلاح مضرس، یعنی دندان‌های استفاده گردد. استعمال واژه گنبد مضرس باعث یکسان‌سازی به کارگیری این واژه برای چنین سبک گنبدسازی در معماری اسلامی خواهد شد.

ساختار معماری

گنبد‌های مضرس دارای مشخصه‌های خاصی هستند و از لحاظ ساختار معماری با گنبد‌های دیگر در معماری اسلامی تمایزاتی دارند. طرز ساختن نوع آجری گنبد‌های مضرس چنین بوده است که نخست بالای بام را به شکل مخروط با چوب قالب‌بندی می‌کرده‌اند و سپس در پشت قالب از روی قاعده درونی گنبد که قاعده اصلی بود، آجر می‌چیده‌اند و قاعده بیرونی را به نحوی که دلخواهشان بوده، کوبی یا کثیرالاضلاع می‌ساخته‌اند و به همین نحو

با اتکاء به قالب، طبقه به طبقه، گنبد را بالا می‌برده‌اند. کار کردن بر روی قالب علاوه بر حفظ گنبد به سازندگان امکان می‌داد تا از عناصر مختلف برای تزیین گنبد استفاده کنند بی‌آنکه به تمامیت و یا توازن بنا لطمه‌ای وارد آید (صمدی ۱۳۷۵: ۸۵۸). در این گنبد‌ها نقشه اولین طبقه با ابعاد کوچک‌تر آن قدر تکرار می‌شود تا هرمی که از بام آرامگاه ساختنش آغاز شده به پایان برسد و بر فراز آخرین طبقه قبه‌ای کوچک قرار می‌گیرد که این قبه به حفظ تعادل در این گنبد کمک شایانی می‌کند. در این گنبد‌ها در قسمت‌های فوقانی، پس‌نشین‌های یکنواخت روی قسمت‌های تحتانی قرار می‌گیرند و معمولاً ارتفاع این گنبد از سایر گنبد‌ها بیش‌تر است (زمرشیدی ۱۳۶۷: ۲۶۲). تاکنون چنین پنداشته می‌شد که تنها گنبد توفیل بغداد از سنگ ساخته شده در صورتی که مصالح تمامی گنبد‌هایی که با این شیوه معماری در کهگیلویه ساخته شده‌اند از سنگ و گچ است. آنچه در معماری گنبد‌های مضرس این منطقه دیده می‌شود ارتباطی است که بین مقرنس‌های درونی گنبد با تزیین پلکانی نمای بیرونی آن دیده می‌شود. در گنبد‌های این منطقه که از سنگ ساخته شده‌اند سنگ‌ها، در مقرنس طوری به کار رفته‌اند که بیرون زندگی آن‌ها در نمای بیرونی تنها با لایه‌ای از گچ آستر گردیده و نمای خاصی به سطح بیرونی گنبد می‌بخشد. بنابراین مقرنس‌های لانه زنبوری این گنبد‌ها گرچه عنصری تزیینی‌اند لیکن تفاوت عمده در آن‌ها این است که این تزیینات الحاقی نبوده و جزء ساختار و استخوان‌بندی خود پوشش گنبد به شمار می‌روند. هماهنگی تزیین مقرنس‌های داخلی با پلکان‌های نمای بیرونی (هیلن‌براند ۱۳۸۶: ۳۹۰) دلیلی بر این مدعاست. این نکته به خوبی در گنبد‌های مضرس کهگیلویه دیده می‌شود و در بنای امامزاده یحیی (ع) شیخ‌هابیل هفت ردیف مقرنس زیر گنبد در نمای خارجی به صورت هفت پله که بر روی هشت ضلع آن واقع شده‌اند نمایان است (قرلباش و آزادی ۱۳۹۱). این در حالیست که مقرنس‌های معمول در تزیینات زیر گنبد، در اکثر موارد دارای پوشش مجزا بوده و الحاق شده به سازه گنبد هستند.

گنبد‌های مضرس مانند سایر عناصر معماری، شروع به تحول کرده و در جهت تکامل توسعه پیدا نموده‌اند. دو





آرامگاه قابل بررسی از این فرم معماری یکی امام دُر در نزدیکی سامرا (۴۶۴ ه.ق.) و دیگری مقبره سیت (سیده) زبیده در بغداد (۵۳۱ ه.ق.) دارای پلان ساده‌ای هستند که تحولی شایان توجه در گنبد مضرس آن‌ها صورت گرفته است. بر بالای یک هشت ضلعی پنج ردیفی (امام دُر) و یا نه ردیفی (سیده زبیده) از تاقچه‌ها به یک قبه کاملاً کوچک متصل می‌شود و گنبد به نوعی از مقرنس مخروطی تبدیل شده است. این دو بنا از نظر جزئیات با یکدیگر تفاوت اساسی دارند. ساخت آرامگاه بغداد خشک‌تر و منطقی‌تر از آرامگاه امام دُر است و در آرامگاه امام دُر ترکیب پیچیده‌ای از اشکال هندسی، به خصوص در داخل دیده می‌شود ولی در هر دو گنبد، ثقل اصلی از افزایش هندسی واحدهای سه بعدی با منشأ معماری حاصل شده است (اتینگهاوزن و گرابر ۱۳۸۳: ۶-۴۰۵). همچنین یکی از اشکال بزرگ نماسازی گنبدهای مضرس با قاعده کوبی آنست که زوایای جانبی منفرجه طبقات اولین در طبقات نهایی به صورت حاده درخواهند آمد که در گنبدهای شیرمرد ممسنی و شابوالقاسم شاه‌آباد دزفول بدین صورت دیده شده است. معماران این شیوه گنبدسازی، در گنبد میرمحمد خارک با برهم زدن روال قاعده گنبد در طبقه دوم و کاستن از تعداد اضلاع کوبی بر مشکل فائق آمده‌اند. همچنین در گنبد سلطان زبیده بغداد نیز یک بار در طبقه پنجم و یکبار در طبقه هشتم با ساختن زوائد نیم هرمی از اضلاع قاعده گنبد کاسته‌اند (صمدی ۱۳۷۵: ۶۰-۸۵۹).

به نظر می‌رسد اقلیم منطقه غرب و جنوب ایران بدلیل گرمای هوا و بارندگی‌های نسبتاً شدید سبب مرسوم شدن این شیوه گنبدی گردیده به گونه‌ای که در برخی موارد در میان پوشش گنبدی فاصله‌هایی است که از داخل بنا و زیر گنبد شعاع‌های نور عبوری از این روزنه‌ها را می‌توان دید و با وزش باد هوا از روزنه‌های یک طرف وارد شده و از طرف دیگر خارج می‌شود و در نتیجه هوای زیر گنبد خنک می‌شود. هر چند نمی‌توان تأثیر شرایط اقلیمی را در شکل‌گیری معماری مناطق مختلف نادیده انگاشت لیکن یکی از شرایط اصلی تعادل در گنبد بستگی

به شیب برآیند دارد. هر چه شیب نیروی R بیش‌تر باشد گنبد به حالت تعادل نزدیک‌تر است و با توجه به اینکه اکثر گنبدهای مضرس محاط در یک مخروط هستند به همین لحاظ ایستایی گنبد بیش‌تر خواهد بود. از آنجایی که به دلایل اقلیمی و تکنیکی در جنوب ایران و بین‌النهرین (عراق و سوریه) استفاده از خشت خام امری معمول بوده، ساخت گنبدهای رفیع (استوانه‌های آجری برای پایه گنبد) برای معماران مقدور نبوده ولی در عوض گنبدهای مضرس می‌توانستند تناسب خیلی بلندتری نسبت به گنبدهای رک (که در فلات مرکزی ایران معمول بوده است) داشته باشند و قابلیت اجرای گنبدهای رفیع به شیوه رک بیش‌تر است. گنبدهای مضرس نیز با توجه به قابلیتی که در افزایش ارتفاع داشتند مورد توجه معماران اسلامی قرار گرفته و در محدوده وسیعی از جهان اسلام به دست معماران ساخته شدند.

گنبدهای مضرس در معماری ایران

بدون شک برای مطالعه هر پدیده‌ای بایستی به ریشه‌های پیدایش و نحوه اشاعه آن پدیده توجه کرد. گنبدهای مضرس که دارای پراکندگی جغرافیایی گسترده‌ای در معماری اسلامی هستند نیز از مکانی سرچشمه گرفته‌اند که مطالعه در قدیمی‌ترین نوع این گنبدها و تزیینات به کار رفته در آن‌ها ما را به این مهم رهنمون می‌سازد. آنچه در پی خواهد آمد بررسی عواملی است که به شناخت ما از خاستگاه، پراکندگی جغرافیایی و تاریخگذاری نسبی آن‌ها در معماری ایران کمک شایانی خواهد کرد. شیوه گنبدسازی با سبک مضرس در جهان اسلام دارای پراکندگی گسترده‌ای است. این گنبدها پیش‌تر در عراق و سوریه دیده شده است که می‌توان به آرامگاه نورالدین دمشق (نقشه ۱)، آرامگاه مسلم بن قریش امام دُر سامرا (نقشه ۲)، گنبد امامزاده توثیل ایوان کرخه، گنبد زبیده بغداد، گنبد شیخ عمر سهروردی بغداد اشاره کرد (هیلن‌براند ۱۳۸۶: ۳۹۰).

۱- نیروی رانشی است که گنبد در جهت باز شدن از حالت گنبدی به سطح شدن به لبه وارد می‌کند و هر چه گنبد تخت‌تر باشد این نیرو بیش‌تر است و مهار آن سخت‌تر. در گنبدهای مضرس به خاطر حالت مخروطی آن‌ها، این نیرو تقریباً به صورت عمودی در می‌آید و کنترل آن راحت‌تر است.

در ایران تعداد گنبد‌های مضرس خیلی زیاد است که می‌توان از گنبد دانیال نبی شوش، گنبد امامزاده عبدالله شوشتر، گنبد امامزاده میرمحمد خارک، امامزاده شیرمرد ممسنی، امامزاده شایبوالقاسم شاه‌آباد دزفول، گنبد سلیمان بن علی بندر گناوه، بقعه ابراهیم خلیل هویزه، گنبد خضر نبی‌الله شوشتر نام برد (صمدی ۱۳۷۵: ۸۵۷). در لرستان و ایلام نیز سه نمونه از این گنبد‌ها شناسایی شده است: گنبد جابر بدره، گنبد سید صلاح‌الدین آبدانان و گنبد امامزاده جعفر پروچرد. از عناصر معماری به کار رفته در این بناها می‌توان به مقرنس‌های درونی گنبد جابر بدره اشاره کرد (ایزدینا ۱۳۷۶: ۴۲۸). در کهگیلویه و بویراحمد نیز چندین بنا وجود دارد که از این نوع گنبد برای اجرای پوشش آن‌ها استفاده شده است. از جمله این بناها می‌توان به گنبد لیشر در دوگنبدان، امامزاده بابا احمد در لیکک بهمئی، امامزاده پیرغازی دهدشت (نقشه ۳، تصویر ۱)، بناهای امامزاده محمود - که در گویش محلی به امامزاده شیخ مومو شهرت دارد (تصاویر ۲ و ۳)، امامزاده سید جلال الدین سرفاریاب، امامزاده یحیی روستای شیخ هابیل و امامزاده شیخ ابراهیم عباس لنده اشاره کرد که از میان آن‌ها سه بنای امامزاده پیرغازی (تصویر ۱)، امامزاده محمود (تصاویر ۲ و ۳) و گنبد لیشر دارای مقرنس‌کاری زیر سقف گنبدی هستند.

باید خاطر نشان ساخت که بنای امامزاده یحیی (ع) در یکی از شب‌های آبان ماه سال ۱۳۸۶ توسط جمعی از سادات روستای شیخ هابیل با هدف ساخت بنایی جدید به جای بنای قدیمی تخریب شد لیکن پژوهش کاملی قبل از تخریب بنا در زمستان سال ۱۳۸۳، با هدف روشن ساختن الحاقات احتمالی بنا در بخش‌های مختلف و بدست آوردن دیدی روشن از وضعیت پلان اصلی بنای امامزاده و نیز کمک برای تعیین قدمت بنا، با توجه به داده‌های باستان‌شناختی حاصل از این پژوهش‌ها انجام شد (قزلباش و آزادی ۱۳۹۱: ۵۶).

همانگونه که اشاره شد این گنبد‌ها در نواحی لرستان، ایلام، کهگیلویه و بویراحمد و خوزستان و بخش‌هایی از فارس (ممسنی و کازرون) واقع شده‌اند که تحت سیطره حکومت محلی اتابکان لر (۵۵۰-۸۲۷ ه.ق.) قرار داشتند. آنچه از جغرافیای پراکندگی گنبد‌های مضرس در ایران

کنونی بر می‌آید آنست که پراکندگی جغرافیایی این شیوه گنبدسازی، آن‌ها را در محدوده حکومت محلی اتابکان و حوزه حکمرانی آن‌ها در قرون میانی اسلام منطبق می‌نماید (نقشه ۴). بنابراین ضرورت دارد به برخی از تحولات سیاسی - اجتماعی جنوب و جنوب غربی ایران در قرون میانی اسلام (دوره اتابکان لرستان) به صورت مختصر اشاره گردد.

سرزمین جنوب و جنوب‌غربی ایران از اوایل قرون میانی اسلام (۵۵۰ ه.ق. به بعد) تحت حکومت محلی اتابکان لر اداره می‌شد که حاکمیت سرزمین‌های لر (بلادالور) را به عهده داشتند (نقشه ۴). اتابکان لر از تاریخ ۵۵۰ تا ۸۲۷ ه.ق. یعنی نزدیک به ۲۷۷ سال بر نواحی لرنشین حکومت کردند (تقوی مقدم ۱۳۷۷: ۳۶). نویسنده تاریخ گزیده از مهاجرت صد خانواده کرد از جبل‌السماق شام و استقرار آن‌ها در سرزمین لر بزرگ در قرن پنجم ه.ق. گزارش داده که سرانجام این گروه سلسله اتابکان لر بزرگ را تشکیل دادند و مدتی طولانی در این دیار حکمرانی کردند. اتابکان لرستان اصالتاً از کردان شام بوده‌اند که از طریق میافارقین و آذربایجان به ایران آمده و مقارن ابتدای قرن ششم ه.ق. در حدود اشتران‌کوه و جلگه‌های شمالی آن اقامت نمودند (اقبال آشتیانی ۱۳۸۵: ۷۶۶). سپس به لرستان آمدند و در خیل احفاد محمد خورشید که وزرا بودند، به عنوان رعیت وارد دستگاه حکومتی آنان شدند (مستوفی ۱۳۳۹: ۵۳۹). در عهد اتابک هزار اسف (قرن ششم ه.ق.) ملک لرستان نیز آباد شد و اقوام مختلفی چون عقیلی از نسل علی بن ابیطالب و گروه هاشمی از نسل هاشم بن عبدمناف و دیگر طوایف متفرقی چون استرکی، ماکویه، بختیاری، جوانکی، بیدانیان، زاهدیان، علائی، کوتوند، بتوند، بوازکی، شوند، زاکی، جاک، هارونی، آشکی، لیراوی، ممویی، یحفویی، کمانکشی، ممانسی، ارملکی، توانی، کسدانی، مدیحه، اکورد، کولارد و دیگر قبایلی که انساب آن‌ها معلوم نیست از جبل‌السماق شام به حوزه حکمرانی اتابکان مهاجرت نمودند و بر قدرت و شوکت اتابکان افزودند (مستوفی ۱۳۳۹: ۲-۵۴۰). وجود گروه الهاشمی در قلمرو لر بزرگ که در متن مزبور از آن نام برده شده در کاوش‌های باستان‌شناختی پیرامون یکی از بقاع آرامگاهی این دوره در





کهگیلویه (امامزاده شیخ هابیل‌الهاشمی) به اثبات رسیده است (قزلباش و آزادی ۱۳۹۰). بعید نیست که امامزاده محمود کهگیلویه - که در گویش محلی به "ممو" شهرت دارد و دارای گنبد مضرس مقرنس‌دار است - از گروه ممویی باشد که توسط مستوفی از آن‌ها نام برده شده است (مستوفی ۱۳۳۹: ۵۴۲). با توجه به آنچه گفته شد می‌توان احتمال داد که حضور اقوام مهاجر از جانب سوریه که در دو دوره زمانی به قلمرو حکومتی اتابکان وارد گردیدند با ورود این فرم معماری به معماری اسلامی ایران مرتبط باشد.

نکته دیگری که در بناهای آرامگاهی با گنبد مضرس دیده می‌شود کتیبه‌های به جا مانده از آن‌هاست. تاکنون در پنج بنای آرامگاهی با چنین سبک گنبدسازی در ایران کتیبه‌هایی دیده شده است. امامزاده عبدالله شوشتر که تاریخ ۶۲۹ ه.ق. در کتیبه‌ای بر پیشانی در ورودی نقر گشته، میرمحمد خارک که تاریخ ۷۳۸ ه.ق. دارد، امامزاده جعفر بروجرد که تاریخ ۷۱۷ ه.ق. دارد (صمدی ۱۳۷۵: ۸۶۲). گنبد بقعه دانیال در شوش نیز چندین بار بر اثر سیل از بین رفته و مجدداً تعمیر شده و آخرین باری که در اثر سیل منهدم شد تقریباً بیست و سه سال بعد از مسافرت لایارد به شوش یعنی در سال ۱۲۷۸ ه.ق. در زمان سلطنت ناصرالدین شاه بوده است. بقعه مذکور در همان سال توسط «حاج شیخ جعفر شوشتری» از نو احداث و نوسازی شده است (امیری ۱۳۷۱: ۱۹۲). گنبد جابر نیز تنها کتیبه‌ای با کلمات "محمد" و "لا اله الا الله" دارد که به طور برجسته نوشته شده است (ایزدپناه ۱۳۷۶: ۴۲۷) و هیچ گونه اطلاعاتی در خصوص تاریخ بنا ارائه نمی‌دهد. در کهگیلویه دو بنا وجود دارد که دارای تاریخ‌هایی هستند که با به لحاظ زمانی با دیگر بناهای تاریخ‌دار ایران در دیگر نقاط ایران در یک برهه زمانی قرار می‌گیرند. گنبد امامزاده جعفر (پیر غازی) دهدشت که بر لوحه اذن دخول بر سطح چوبی در امامزاده به خط ثلث تاریخ ۷۰۶ ه.ق. نقر گشته بود (موسوی‌نژاد سوق ۱۳۸۵: ۲۵۶) که امروزه اثری از آن برجای نمانده و دیگری سنگ گوری قدیمی در یکی از دیوارهای بنای امامزاده یحیی (ع) که تاریخ سبع مأتین و اربعه (۷۴۰ ه.ق.) و نام علی بن حسن‌الهاشمی بر خود داشته و پس از تخریب دیوار و

بیرون آوردن سنگ از داخل آن آشکار شده است (قزلباش و آزادی ۱۳۹۱: ۶۶). همانگونه که پیش‌تر اشاره شد گروه هاشمی یک از گروه‌هایی بوده است که در زمان اتابکان لر به منطقه لر بزرگ مهاجرت نمودند و سنگ گور بدست آمده از بنای امامزاده یحیی (ع) بر وجود این گروه در برهه زمانی فوق (اتابکان لر) در کهگیلویه صحه می‌گذارد. مطالعه کتیبه‌ها و تواریخ بر جای مانده بر رواج ساخت این نوع گنبد در سده‌های هفتم و هشتم ه.ق. در نواحی غربی و جنوبی ایران دلالت دارد.

بارزترین عنصر تزئینی به کار رفته در گنبد‌های مضرس مقرنس‌های درونی گنبد است. بدون شک استفاده از مقرنس در معماری اسلامی، در اواخر قرون اولیه اسلامی شناخته شده و اولین نمونه‌های مقرنس‌سازی در بناهای اسلامی در درون تاق هلالی گنبد قابوس دیده شده است (کیانی ۱۳۸۵: ۴۵). همچنین در هر گوشه بنای هشت ضلعی آرامگاه عرب عطا در تیم، نقطه پیوند عمودی‌تر با استفاده از تاق سه تکه یا سه‌کنج ارائه گردیده است که توانست در دوران سلجوقی بر معماری منطقه اصفهان تسلط یابد (هیلن‌براند ۱۳۸۶: ۳۵۳). گرچه قدیمی‌ترین نمونه‌های به کارگیری مقرنس در بناهای اسلامی ایران شناسایی شده لیکن بر اساس پژوهش‌های صورت گرفته مقرنس‌های درونی این سبک گنبدسازی که عمدتاً گچی هستند، متعلق به قرن پنجم ه.ق. بوده و از بغداد سرچشمه گرفته‌اند و به سرعت به سوی سوریه و آفریقا اشاعه پیدا کرده‌اند و ابتدا در آثار تدفینی (آرامگاه‌ها) و سپس در مساجد و حتی در کاخ‌ها استفاده شده‌اند. قدیمی‌ترین نمونه آن در آرامگاه امام‌الدور (۴۷۹ ه.ق.) و سپس در مسجد قرویین فاس (۵۳۲ ه.ق.) و در نورالدین دمشق (۵۶۹ ه.ق.) چنین مقرنس‌های گچی دیده شده‌اند که همگی تأثیر مستقیم بغداد را به نمایش می‌گذارند. اکثریت گنبد‌های مضرس با مقرنس‌های درونی به قرن ششم ه.ق. تا حمله مغول تاریخگذاری شده‌اند. یک دوره فعالیت‌های گسترده ساختمان‌سازی در عراق و شبه جزیره (Tabba 1985: 65) صورت گرفت. هیلن‌براند نیز منبع الهام چنین گنبد‌های مقرنس‌داری در سوریه، مانند گنبد مقبره نورالدین دمشق (۵۶۹ ه.ق.) را بناهای یادمانی عراق می‌داند. وی نمونه‌های این بناها را در عراق در مقبره

مسلم بن قریش در امام ذر (۴۷۹ ه.ق.) ذکر می‌کند که به نوبه خود مقابر سهروردی و سیت (بانو یا سیده) زبیده را به وجود می‌آورند که هر دو در بغداد هستند و باز هم نمونه‌های متعدد دیگری در جنوب عراق که همگی مربوط به قرن هفتم ه.ق. هستند (هیلن‌براند ۱۳۸۶: ۳۹۰).
 قندیل‌های مقرنس در بناهای همزمان اتابکان لر در ایران (ایلخانیان) نیز در این دوران دیگر از آجر ساخته نمی‌شدند بلکه از گچ ساخته شده و از تاق‌ها یا دیوارها آویزان می‌گشتند (بلر و بلوم ۱۳۸۱: ۱۵). مقرنس‌های گچی در دوران ایلخانی مورد توجه معماران قرار گرفته و گچبری‌های غنی این دوره زبازند است که می‌توان به گچبری‌های غنی مسجد دو ایوانی اشترجان و مقبره عبدالصمد اصفهانی نطنز اشاره کرد. مقرنس در سطح درونی گنبدها در دوره‌های بعدی در بناهای اسلامی به کار رفت و در دوره تیموریان بناهای بسیاری با این عنصر معماری تزیین گشتند که می‌توان به اتاق مربع شکل آرامگاه احمد یسوی واقع در شهر ترکستان قزاقستان اشاره کرد که با گنبد مقرنس داری به ارتفاع ایوان ورودی پوشیده شده است (بلر و بلوم ۱۳۸۱: ۹۳). بنابراین براساس پژوهش‌های انجام شده، منشاء مقرنس‌های گچی درونی گنبدهای مضرس عراق دانسته شده که به سوی دیگر مناطق جهان اسلام انتشار یافته است.

دو مینیاتور از سده‌های نهم و دهم ه.ق. صحنه‌هایی از گنبدهای مضرس را به خوبی نمایان می‌سازند. یکی از آن‌ها صحنه بروز سیل را در بغداد به سال ۸۷۳ ه.ق. (تصویر ۴ الف) نشان می‌دهد. دیگری توسط مترقچی^۱ در زمان سلطان سلیمان قانونی به تاریخ ۹۴۴ ه.ق. کشیده شده (تصویر ۴ ب) است. اینها قدیمی‌ترین اسناد از دوره اسلامی هستند که رواج ساخت این فرم گنبد را در معماری عراق و بغداد به خوبی نمایان می‌سازند. به نظر می‌رسد که این شیوه معماری دارای پیشینه‌ای کهن‌تر در معماری بین‌النهرین باستان (عراق و سوریه) بوده باشد

۱- نصح سلاخی مترقچی (وفات ۹۷۱ ه.ق.) نویسنده، نسخ و تصویرگر بوسنیایی‌الاصل عثمانی بود که تاریخی درباره عثمانیان تا ۹۵۸ ه.ق. نوشت و دست کم سه جلد از آن را با تصویرهایی مصور ساخت. تنها یک جلد از این مجموعه درباره لشکرکشی‌های سال‌های ۹۴۲-۹۴۰ ه.ق. در ایران و عراق همراه با ۱۲۸ تصویر، امضای او را بر خود دارد.

زیرا معماری جنوب‌غرب ایران و بین‌النهرین از هزاره سوم ق.م. دارای معماری پیشرفته‌ای بوده است و براساس بررسی نقوش مهرهای ایلامی، در دوران آغاز تاریخی ساخت بناهای گنبدی معمول بوده است (حصاری و ایروانی ۱۳۹۰: ۳۰-۱۲۹) و شاید بتوان ردّ این شیوه گنبدسازی را در معماری بین‌النهرین پیگیری کرد.

برآیند

تاکنون آرامگاه‌های زیادی با گنبد مضرس در ایران، سوریه و عراق شناسایی شده‌اند. محققین ایرانی این سبک مقبره‌سازی را متعلق به جنوب ایران دانسته‌اند (صمدی ۱۳۷۵؛ ورجاوند ۱۳۴۸)، در صورتی که قبل از پیدایش این فرم گنبدی در معماری ایران در بناهای اسلامی عراق و سوریه در قرون پنجم و ششم ه.ق. این فرم گنبدی بر روی بناهای زبیده بغداد و نورالدین دمشق به کار رفته که حاکی از تداوم و یا الگوگیری از سنت‌های معماری قدیمی این منطقه بوده است. در ایران تعداد زیادی از این گنبدها وجود دارند که تأثیر مستقیمی از این معماری را نشان می‌دهند. بسیاری از این مقابر و گنبدها دارای هیچ نوع تزیینات و کتیبه‌ای نیستند که بتوان به تاریخگذاری این بناها نائل آمد لیکن تعداد اندکی از این بناهای آرامگاهی با گنبدهای مضرس (امامزاده عبدالله شوشتر، میرمحمد خارک، امامزاده جعفر بروجرد، گنبد دانیال پیغمبر در شوش و امامزاده جعفر (پیر غازی دهدشت) و امامزاده یحیی (ع) شیخ هابیل کهگیلویه دارای کتیبه‌هایی هستند که تعلق آن‌ها را به دوره اتابکان لر مسلم می‌سازد. همه این آرامگاه‌های تاریخ‌دار که در جنوب، جنوب غربی و غرب ایران واقع شده‌اند بر اساس کتیبه‌های باقیمانده از نظر زمانی متعلق به قرون هفتم و هشتم ه.ق. هستند و از نظر گستره جغرافیایی در قلمرو اتابکان لر (۸۲۷-۵۵۰ ه.ق.) قرار دارند. همه موارد مذکور ما را به این نکته رهنمون می‌سازد که سنت آرامگاهی با سبک گنبدسازی مضرس، سنتی بوده است که از منطقه عراق و سوریه سرچشمه گرفته است و با ورود اقوام مهاجری که در قرون میانی اسلام (۵۵۰ ه.ق. به بعد) به جنوب، جنوب‌غربی و غرب ایران مهاجرت نموده‌اند و بر این منطقه حکمرانی نمودند و در تاریخ با نام اتابکان لرستان از آن‌ها یاد شده



وارد معماری ایران گردیده است.

سپاسگزاری

محمدحسن اکبریان و همچنین آقای احمد آزادی به خاطر راهنمایی‌هایشان و نیز در اختیار قرار دادن پلان بناهای آرامگاهی کهگیلویه سپاسگزارم.

از دوستان عزیز در اداره میراث فرهنگی استان کهگیلویه و بویراحمد آقایان مهندس رحیم دادی‌نژاد، داریوش توکلی، علی‌اصغر آتش‌فراز، محمد نیک‌اقبال، مسعود شفیع،

منابع

فارسی

حصاری، مرتضی و فرشید ایروانی قدیم، ۱۳۹۰، «سبک معماری دوره آغاز تاریخی جنوب غرب ایران و بین‌النهرین براساس نقوش مهر و اثر مهر»، مزدک‌نامه، شماره ۴، صص ۱۳۷-۱۲۴.

آزادی، احمد، ۱۳۸۷، گزارش فصل اول بررسی‌های باستان‌شناختی منطقه کهگیلویه، بایگانی پژوهشکده باستان‌شناسی (منتشر نشده).

رئیس‌زاده، مهناز و حسین مفید، ۱۳۷۴، احیاء هنرهای از دست رفته به روایت استاد حسین لرزاده، تهران: انتشارات مولی.

اتینگهاوزن، ریچارد و الگ گرابر، ۱۳۸۳، هنر و معماری اسلامی (۱)، ترجمه یعقوب آژند، تهران: انتشارات سمت.

زمرشیدی، حسین، ۱۳۷۳، طاق و قوس در معماری ایران، تهران: انتشارات کیهان.

اقبال آشتیانی، عباس، ۱۳۸۵، تاریخ مفصل ایران از صدر اسلام تا انقراض قاجاریه، تهران: انتشارات میلاد.

شمس، صادق، ۱۳۸۹، جلوه‌هایی از هنر معماری ایران زمین، تهران: علم و دانش - نوآوران‌دانشگاه پارسه.

امیری، مهرباب، ۱۳۷۱، سیری در قلمرو بختیاری و عشایر بومی خوزستان، گزارشات منتشر نشده‌ای از سر اوستن هنری لایارد، استاک، مادام بیشوب، لینچ، ویلسون، تهران: نشر فرهنگسرا.

صمدی، مهرداد، ۱۳۷۵، «نظری درباره سبک معماری گنبد سلیمان بن علی گناوه»، آثار شهرهای باستانی سواحل و جزایر خلیج فارس و دریای عمان، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

ایزدپناه، حمید، ۱۳۷۶، آثار باستانی و تاریخی لرستان، تهران: انتشارات انجمن آثار ملی.

قزلباش، ابراهیم و احمد آزادی، ۱۳۹۱، «پژوهشی در هویت‌شناسی بنای امامزاده یحیی (ع) کهگیلویه، روستای شیخ هابیل‌الهاشمی» مجله اثر، شماره ۵۰، صص ۶۹-۵۵.

بزرگمهری، زهره، ۱۳۷۰، «گنبد در معماری ایران»، مجله اثر، شماره ۲۰، صص ۱۸-۵.

کاشانی، غیاث‌الدین جمشید، ۱۳۶۶، رساله طاق و ازج، ترجمه و تحشیه سید علیرضا جذبی، تهران: انتشارات سروش.

بلر، شیلا و جانانان بلوم، ۱۳۸۱، هنر و معماری اسلامی (۲) (۱۲۵۰-۱۸۰۰)، ترجمه یعقوب آژند، تهران: سمت.

کیانی، محمدیوسف، ۱۳۸۵، تاریخ هنر معماری ایران در دوره اسلامی، تهران: انتشارات سمت.

پیرنیا، محمدکریم، ۱۳۸۳، آشنایی با معماری اسلامی ایران، تدوین غلامحسین معماریان، تهران: انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران.

مستوفی، حمدالله، ۱۳۳۹، تاریخ گزیده، تهران: موسسه چاپ و انتشارات امیرکبیر.

تقوی مقدم، مصطفی، ۱۳۷۷، تاریخ سیاسی کهگیلویه، تهران: موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.



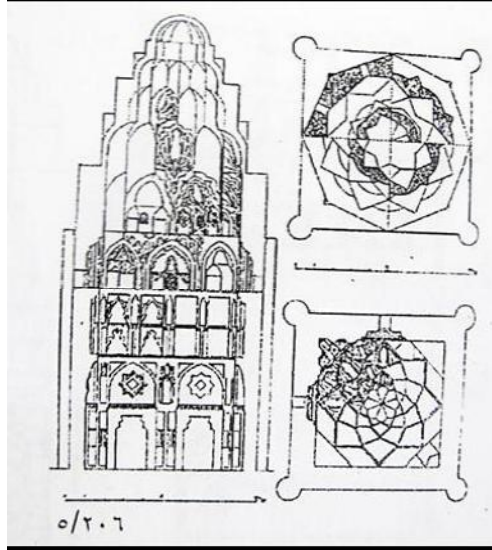
موسوی نژاد سوق، سید علی، ۱۳۸۵، ستارگان پراکنده اسلام
زمین، قم: کومه.

هیلن براند، رابرت، ۱۳۸۶، معماری اسلامی: فرم، عملکرد و
معنی، ترجمه ایرج اعتصام، تهران: شرکت پردازش و برنامه
ریزی شهری.

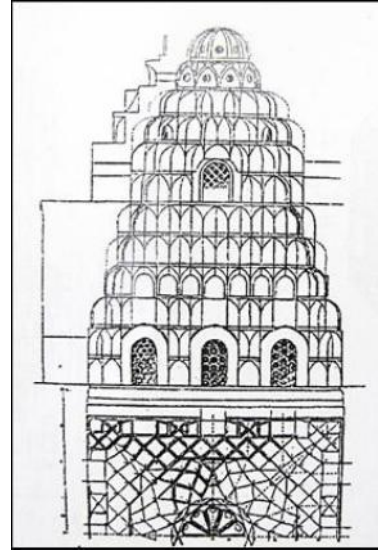
ورجاوند، پرویز، ۱۳۴۸، «معرفی دو بنا و بحثی درباره گنبدهای
مخروطی شکل» مجله باستان‌شناسی و هنر ایران، شماره دوم،
انتشارات وزارت فرهنگ و هنر اداره کل باستان‌شناسی و
فرهنگ عامه، صص ۳۵-۲۴.

Tabbaa, Y., 1985, "The Muqarnas Dome: Its
Origin and Meaning", *Muqarnas* 3: 61- 74.

تصاویر



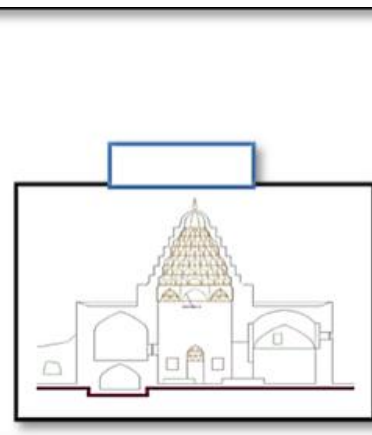
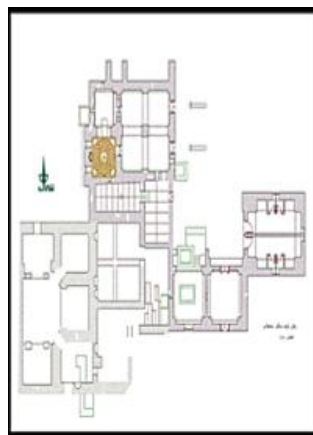
نقشه ۲: آرامگاه مسلم بن قریش، پلان و مقطع
(هیلن براند ۱۳۸۶: ۶۳۸).



نقشه ۱: آرامگاه نورالدین: مقطع گنبد
(هیلن براند ۱۳۸۶: ۶۳۷).



تصویر ۱: مقرنس کاری زیرگنبد امامزاده
پیرغازی دهدشت.



نقشه ۳: امامزاده پیرغازی دهدشت، پلان و برش مقطع
(بایگانی میراث فرهنگی کهگیلویه).



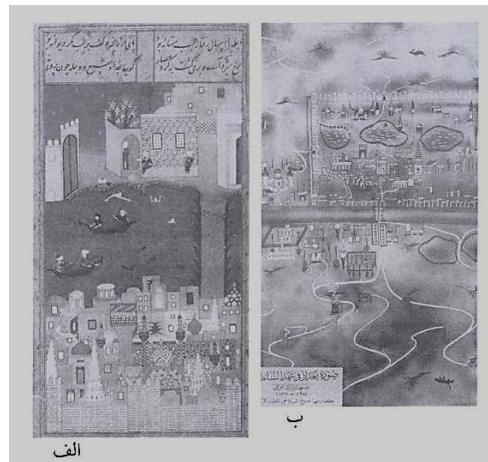
تصویر ۳: مقرنس کاری سطح درونی گنبد امامزاده محمود.



تصویر ۲: امامزاده محمود، دید از غرب.



نقشه ۴: قلمرو تفکیکی ایلات مختلف لر (صفی نژاد ۱۳۶۸: ۱۰۵).



تصویر ۴: مناظری از گنبدهای مضرس در زمان سلطان سلیمان قانونی (Tabba 1985: pls. 4 & 5).